

چالش‌های بخش تولید در سال 1401

به گزارش صدای تجارت، در گزارش مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه‌وبودجه کشور آ «ده است؛ «کمبود نقدینگی و تامین مالی واحدهای تولیدی»، «بحران کاهش سرمایه‌گذاری و کمبود تشکیل سرمایه ثابت»، «بهره‌وری پایین و افزایش قیمت تمام‌شده به واسطه به‌روز نبودن تکنولوژی و فرسودگی ماشین‌آلات مورد استفاده در برخی رشته‌فعالیت‌ها و در نتیجه کاهش قدرت رقابت در فضای جهانی»، «ضعف توسعه صنایع پایین‌دستی»، «چالش توسعه

فناوری و تعمیق آن در زنجیره‌های اصلی ارزش صنعتی و معدنی، «ریسک بالای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی اعم از اکتشاف و استخراج»، «ضعف در سازوکار تعیین، محاسبه و اخذ حقوق دولتی از بهره‌برداران معدن» و «ضعف در انتشار اطلاعات پایه اکتشاف زمین‌شناسی» هشت سرعت‌گیر تولید در سال 1401 هستند که در گزارش بازوی پژوهشی سازمان برنامه‌وبودجه مانع تحول بخش صنعت و معدن در قرن جدید معرفی شده‌اند. سند مذکور تاکید دارد با توجه به افت جدی سرمایه‌گذاری در تشکیل

سرمایه ثابت، سیاستگذار لازم است مسیر را برای تقویت سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها مهیا سازد. از آنجا که تنها در سال‌های معدودی از دهه 90، کشور شاهد رشد مناسب در تشکیل سرمایه، به‌ویژه در بخش صنعت بوده و این عامل اثر مشخص و واضحی بر توان رشدزایی صنعت و افزایش ارزش‌افزوده بخش تولید داشته، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت وزارتخانه باید حول محور تقویت تشکیل سرمایه متمرکز شود. در این راستا، دو دسته ابزار و اهرم برای تقویت تولید صنعتی و معدنی پیشنهاد شده است. گزارش

برای خروج از وضعیت کنونی، دو دسته فعالیت را توصیه کرده که دسته نخست شامل «ارتقای بهره‌وری»، «توسعه صادرات، تکمیل زنجیره تولید»، «شناسایی گلوگاه‌های رشد»، «حذف رانت»، «تسهیل فضای کسب‌وکار» و «افزایش اشتغال مبتنی بر بهره‌وری» بوده و در دسته دوم نیز به وزارت صمت، «به‌کارگیری روش‌های مختلف تامین مالی» مانند استفاده از منابع داخلی شرکت‌های دولتی یا استفاده از مدل مشارکت عمومی- خصوصی را پیشنهاد کرده است.

از آنجا که بخش صنعت و معدن

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی است و نقش مهمی در رشد اقتصادی کشور دارد، تقویت آن از سوی دولت فواید بسیاری در پی دارد. در این راستا هدف گذاری رشد اقتصادی ۹ درصدی کشور در لایحه بودجه سال 1401 کل کشور صورت گرفته و یکی از بخش‌هایی که می‌تواند به تحقق این هدف کمک شایانی کند، عملکرد مثبت بخش صنعت و معدن است. بودجه دولت در بخش صنعت و معدن به عنوان یک ابزار مهم تحقق اهداف، از طریق کمک‌های فنی و اعتباری و تامین زیرساخت‌ها، رفع موانع و مشکلات تولیدکنندگان و... می‌تواند زمینه فعالیت بهتر

بخش خصوصی و رشد تولید را فراهم کند.

در این راستا اهم اهداف دولت در سال پیش‌رو در زمینه صنعت و معدن مشخص شده است. از رویکردهای اصلی بودجه 1401 وزارت صمت، می‌توان به حمایت از صندوق‌های حمایتی و توسعه‌ای بخش صنعت و معدن، حمایت از افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن در قالب ردیف‌های متفرقه وزارت صمت و شرکت‌های توسعه‌ای، حمایت از تکمیل زنجیره تولید و نوسازی واحدهای تولیدی، حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش معدن کشور از طریق

افزایش سرمایه صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی و سرمایه‌گذاری در جهت توسعه و تعمیق داده‌های پایه زمین‌شناسی و اکتشاف برای رفع مشکلات تامین کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تداوم تولید اشاره کرد.

نکته جالب درباره گزارش بازوی پژوهشی سازمان برنامه‌وبودجه، کیفیتی است که از وضعیت دو بخش صنعت و معدن از چهار منظر تشکیل سرمایه ثابت، رشد ارزش‌افزوده، رشد اشتغال و نیز فشار ناشی از تورم بر هزینه تولید ارائه کرده است. شواهد

گزارش از عملکرد بخش صنعت در دهه 90 گویای این نکته است که با فشار تورم به کشور، شاخص بهای تولیدکننده بخش صنعت-ساخت (بر اساس سال پایه 1395) از رقم 103 در بهار سال 1396 به 577 در تابستان سال 1400 افزایش یافته است؛ وضعیتی که برای بخش معدن با شدت عمل بیشتری کار کرده، هرچند در بخش صنعت نیز فشار تورم بیش از فشاری است که در شاخص کل احساس شده است. این موضوع اثر سوء سیاست‌های کلان اقتصادی را بر واحدهای تولیدکننده در دو بخش صنعت و معدن به‌خوبی نمایان می‌کند. لازم به یادآوری است که شاخص بهای

تولیدکننده نماگری از درآمد
تولیدکنندگان هر بخش است. به
عبارتی نرخ رشد مثبت این شاخص
نشان می‌دهد، در مقابل افزایش
هزینه تولید ناشی از افزایش
قیمت مواد اولیه و... درآمدهای
تولیدکنندگان نیز روند افزایشی
داشته است. گزارش بدون اشاره
به سطح افزایش قیمت‌ها در سه
بخش معدن، خدمات و صنعت،
به‌خوبی بالا رفتن بهای
تولیدکننده در دو بخش معدن و
صنعت نسبت به شاخص کل، بخش
کشاورزی و بخش خدمات را به
نمایش گذاشته است.

از آن سو، این سند با بررسی

توانایی بخش‌های صنعتی و معدنی در زمینه خلق ارزش افزوده، به‌خوبی نشان داده که در سالیان اخیر تا چه میزان به دلیل تحریم توان تولید ارزش افزوده در کشور کاهش یافته است. مطالعه گزارش نشان می‌دهد، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن به عنوان مهم‌ترین متغیر اقتصادی بخش در طول پنج‌سال اخیر چه وضعیتی داشته است. ملاحظه می‌شود

ارزش افزوده این بخش در سال 1397 نسبت به سال 1396 کاهش داشته که این موضوع همزمان با شروع مجدد تحریم‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از آن بوده است.

این کاهش در سال 1398 به دلیل مشکلات ناشی از سوانح طبیعی در ابتدای سال و شیوع بیماری کرونا در سه ماه پایانی سال و مشکلاتی که به تبع این بیماری ایجاد شد، مانند کاهش تقاضای بین‌المللی کالاها و خدمات و محدودیتهای ناشی از قرنطینه و... ادامه یافت. در سال 1399 با اجرای برنامه‌هایی مانند جهش تولید کاهش آثار همه‌گیری کرونا، روند کاهش تولید متوقف شد و تولیدات بخش افزایش پیدا کرد. عملکرد 6 ماه اول سال نیز نشان می‌دهد، روند رشد ارزش افزوده این بخش در نیمه اول سال نیز ادامه داشته است.

در بخش دیگری از این گزارش هم نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در مقایسه با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مقایسه شده و مورد بررسی قرار گرفته است. مشاهده می‌شود که نرخ رشد این بخش در سال 1396، بیش از رشد تولید ناخالص داخلی بوده است. در سال 1397 نیز تاثیر تحریم‌ها و مشکلات ناشی از آن مانند محدودیت واردات مواد اولیه و تجهیزات، محدودیت تامین ارز و... موجب منفی شدن نرخ رشد این بخش شد، به طوری که کاهش آن بیش از کاهش تولید ناخالص داخلی بود. در سال 1398 از شدت کاهش تولیدات بخش کاسته

شد و تداوم این روند در سال 1399 منتج به رشد مثبت ارزش افزوده بخش شد. در 6 ماه اول سال 1400 نیز نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن بیش از سال 1399، اما کمتر از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در همین دوره بوده است.

از نکات جالب درباره وضعیت بخش صنعت در پنج سال اخیر، سهم ارزش افزوده بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی است که در فاصله سالهای 1396 تا 1399 افزایشی بوده و از 9/5 درصد به 1/20 درصد رسیده است. در نیمه نخست 1400 نیز این سهم معادل

6/ 18 درصد بوده است؛ وضعیتی که تحلیل آن گویای اثرات سوئی است که طی سالیان گذشته از ناحیه تحریم و افزایش نا اطمینانی در اقتصاد ایران به خلق ارزش افزوده منتهی شده است. یکی از این مسائل پیش آمده، ضعف جدی در تشکیل سرمایه ثابت بخش صنعت است.

تحلیل این مرکز پژوهشی این است که تداوم این وضعیت می تواند اثر سوئی بر آینده رشدزایی بخش صنعت داشته باشد. واضح است که سرمایه به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل تولید با تاخیر یک تا دو ساله بر میزان

تولید بخش‌های اقتصادی اثر می‌گذارد. براساس آخرین گزارش حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار تشکیل سرمایه ثابت بخش‌های اقتصادی به قیمت ثابت سال 1390، از سال 1383 تا سال 1394 و تشکیل سرمایه ثابت در کل اقتصاد تا سال 1399 منتشر شده است. نمودار مقایسه تشکیل سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن و کل اقتصاد نشان می‌دهد که در سال 1391 که کشور با اولین دور تشدید تحریم‌های اقتصادی روبه‌رو شد، تشکیل سرمایه ثابت در ماشین‌آلات، هم در کل اقتصاد و هم در بخش صنعت

با کاهش شدید مواجه شد. همچنین با رکود سال 1394 مجددا روند تشکیل سرمایه ثابت با شدت کمتر، کاهشی شد. گزارش بانک مرکزی به تفکیک بخش‌های اقتصادی تا سال 1394 منتشر شده است که با بررسی آن می‌توان مشاهده کرد تشکیل سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن با کل اقتصاد تقریبا هم‌رند است. نکته مهم در خصوص این متغیر بسیار مهم نحوه مدیریت سرمایه‌هاست. با علم به اینکه کاهش درآمدهای نفتی، موجب کاهش سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه ثابت در کشور می‌شود، مدیریت سرمایه‌های موجود در جامعه در

چنین دوره‌هایی از اهمیت زیادی برخوردار است. تلاطم و افزایش زیاد در نرخ ارز، قیمت طلا و سودهای زیاد در بازار بورس، سرمایه‌های جامع را از فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های سوداگرانه سوق داده و بدیهی است کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد موجب کاهش تولید در بخش‌های واقعی اقتصاد شده است.

البته به‌رغم این وضعیت، تمایل برای ورود به بخش صنعت کاهش نیافته است. این گزارش با استناد به آمار صدور مجوزهای صنعتی و معدنی، شواهدی ارائه

کرده که موید محبوبیت صنعت برای سرمایه‌گذاران است. شاهد این موضوع جوازهای تاسیس صادره برای فعالیت‌های صنعتی و معدنی است که نمادی از گرایش سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش تولید کشور است. در دوره زمانی مورد بررسی گزارش یک نکته جالب نیز مشاهده شده است و آن اینکه روند صدور پروانه‌های بهره‌برداری صنعتی صادره نشان می‌دهد جوازهای تاسیس صادره با تاخیر سه تا پنج‌ساله، واحدهای تولیدی فعال ایجاد کرده است. همچنین ملاحظه می‌شود که هم تعداد مجوزهای تاسیس و هم تعداد پروانه‌های

بهره‌برداری صادره در این چهار سال روند صعودی داشته است. به عبارت دیگر، با وجود نوسانات و مشکلاتی که در محیط اقتصاد کلان کشور وجود داشته است، سرمایه‌گذاران همچنان برای ورود به بخش صنعت کشور تمایل دارند.

برمبنای این گزارش، در سال 1399 از حدود 41 هزار فقره جواز تاسیس صادره، بیشترین تعداد مجوز مربوط به گروه «ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی» با 5193 فقره، «گروه مواد و محصولات شیمیایی» با 4544 فقره و ساخت «مواد غذایی و آشامیدنی» با 3795 فقره بوده است. از حدود

7500 پروانه بهره‌برداری صادره نیز بیشترین تعداد مربوط به گروه‌های «مواد و محصولات شیمیایی» با 1120 فقره، «ساخت مواد غذایی و آشامیدنی» با 947 فقره و ساخت «محصولات از لاستیک و پلاستیک» با 600 فقره جواز بوده است. ملاحظه می‌شود که تمایل به ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی سرمایه‌گذاری در صنایع منبع‌محور و زنجیره آن و مواد غذایی و آشامیدنی بیشتر از سایر صنایع ساخت‌محور است. در 6 ماه اول سال 1400، تعداد جواز تاسیس صادره نسبت به دوره مشابه سال قبل، کاهش داشته است؛ اما تعداد پروانه

بهره‌برداری صادرشده 2درصد
افزایش نشان می‌دهد.

در نهایت اینکه به نظر می‌رسد
با وجود تداوم حیات بخش صنعت و
معدن، چالش‌هایی جدی از قرن
قبلی به قرن حاضر منتقل شده که
نه تنها باید برای حل و فصل
آنها در برنامه‌های بودجه
سالانه سیاست‌های مشخصی تدوین
کرد، بلکه باید فضا را در
بلندمدت به سمتی برد که وضعیتی
مناسب برای تقویت سرمایه‌گذاری
و بازگشت رشد به تشکیل سرمایه
در حوزه تولید ایجاد شود؛
موضوعی که می‌تواند در کنار خلق
ارزش افزوده و تولید کالاهای

صنعتی با فناوری بالا،
اشتغالزایی در بخش‌های صنعت و
معدن را نیز رونق بخشد.